

گزارش اختصاصی «فرهیختگان» از افتتاحیه پنجمین کنگره علوم انسانی اسلامی

گامی به سوی پیوند علوم انسانی و مسائل جامعه



مسئله‌یابی و تنظیم نظام مسائل، دوم اولویت‌بندی و سوم بومی کردن مسائل و استفاده از اندیشه‌ی اسلامی و علوم انسانی اسلامی در راهکارها (توجه علوم انسانی به عدالت و مبارزه با فساد و...) .

این است که نگاه آسیب‌شناسانه به این موضوع داشته باشند. ما امروز در حوزه‌هایی مثل فناوری، نانو و تکنولوژی پیشرفت خوبی داشتیم، ولی نسبت به علوم انسانی اسلامی ضعیف‌تر هستیم که باید این موضوع آسیب‌شناسی شود. دانشگاه و حوزه هم برترین جا برای بحث و آسیب‌شناسی است البته این بحث‌ها نوعی جسارت هم می‌طلبد تا سخن نو گفته شود و نشاط علمی در دانشگاه و حوزه برقرار شود. در ارتباط با این قضیه به نکاتی اشاره می‌کنم. اولین نکته اینست که متون آموزشی باید بازنگری شود که تا چه حد مبتنی بر علوم انسانی اسلامی است. دوم اینکه باید بر پژوهشگران سرمایه‌گذاری شود و حمایت‌های مادی و معنوی برای پژوهشگری صورت گیرد. علاوه بر این، پیچیدگی بحث ایجاب می‌کند که نخبان و انسان‌های فرهیخته به این موضوع وارد شوند. نکته چهارم اینکه حتماً علوم انسانی اسلامی ما مبتنی بر علوم اسلامی است، اما لازم است ریل‌گذاری نویی هم در این باب صورت گیرد، از نوع مدرسی که در قم به‌عنوان مدارس تخصصی تاسیس می‌شود. نکته دیگر هم پیوند اداره جامعه اسلامی به این علوم است که باید به آن توجه ویژه شود. به‌نظر لازم است جمع حاضر سه کار عمده انجام دهد:

علوم انسانی سکولار نمی‌تواند مغزافزار و نرم‌افزار نظام مبتنی‌بر دین باشد؛ دین، ارزش‌های الهی و علوم انسانی اسلامی باید مغزافزار و نرم‌افزار آن باشد. این بدان معنا نیست که علوم انسانی غربی قابل بررسی نیست؛ مباحث علوم غربی قابل بحث و بررسی است لکن قابل نقد هم هست و نباید علوم انسانی غربی برای ما به شکل یک تابوی غیرقابل نقد و پژوهش تبدیل شود. علوم انسانی اسلامی هم قابل نقد، تحقیق و بررسی و قابل اظهار نظر از طرف خردمندان و اندیشمندان است، ولی باید بین تخریب و نقد عالمانه، تفاوت وجود داشته باشد. تخریب سیاسی، علمی نیست و فضايش متفاوت است. رهبری فرمودند «آینده، قرن، قرن اسلام است.» باید نسبت به این سخن تبیین داشته باشیم چون روزنه‌های تحقق این جمله کاملاً پدیداست و ما نیازمندیم که در این کار، نسبت به مغزافزار و نرم‌افزار کار در حوزه‌های مختلف، یک نگاه آسیب‌شناسانه داشته باشیم. مساله توجه به علوم انسانی اسلامی در متن نیازهای جامعه و اجراییات و کارگزاری نظام قرار دارد. در تمام حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و حقوقی این علوم به‌عنوان مغزافزار و نرم‌افزار عمل می‌کند. خواهش من از حضرات این جلسه

است، لکن مهم این است که این دانش چگونه مدیریت و جهت علم چگونه تنظیم شود. علم اگر در جهت قدرت، ثروت، بدون اخلاق، معنویت و عدالت باشد، نتیجه‌اش کلاهک‌های هسته‌ای، مواد مخدر صنعتی، ظلم و ستم به ملت‌ها و ابزاری برای استعمار و از بین بردن حقوق اجتماع می‌شود. علم تجربه‌شده‌ای که امروز در دنیا شاهد آن هستیم، بدون معنویت و اخلاق و عدالت، نتیجه‌اش ساختن ابزاری برای از بین بردن انسان و حقوق انسان می‌شود. علم و فناوری در مغرب‌زمین، بدون اخلاق و معنویت، به بن بست رسیده است و همه فکر می‌کنند که چگونه از این علم برای مصون‌سازی انسان ابزار بسازند. دغدغه امروز انسان‌شناسی در جامعه این است که برای مصون‌سازی جامعه در مقابل این تهدیدات چه کنیم. تهدیداتی که پیامد علم است. خیلی مهم است که مدیریت علم در دست چه کسی باشد، آیا در دست استعمارگران و استثمارگران باشد یا آنکه در دست انسان‌های عالم دارای ترکیه نفس باشد. نظام ما مبتنی بر فقه (فقه اکبر، اوسط و اصغر) است. تفاوت زمان ما با زمان شیخ انصاری این است که امروز در جامعه اسلامی، فقه باید حکومت کند و تمام آموزه‌ها باید مبتنی بر دین باشد. آن زمان نظام مبتنی بر دین نبود.

برای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی از نظریه‌پردازان کمک می‌خواهیم
سیدابراهیم رئیس، رئیس فقه قضائیه

هدفم از حضور، استفاده از فضای علمی و بهره‌مندی از نکات عزیزان است. بحث من، بحثی نظری نیست، بلکه در راستای مأموریت‌هایی است که بخش عظیم کشور به عهده دستگاه قضایی گذاشته است. بنده از نظریه‌پردازان برای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ایجاد هنجارهای تراز انقلاب اسلامی کمک می‌خواهم. بهترین سخن درباره علم را حضرت علی (ع) است فرموده‌اند که «علم، آیه محکمه، فریضه عادل و سننت قائمه؛ یعنی علم به عقاید و باورهای دینی، اخلاق فاضله و کریمه و احکام و پایدا و بنیادهای الهی است.» امام صادق (ع) در پاسخ به این سؤال که «علم چیست و عالم کیست؟» فرمودند شناخت خدا و خداشناسی، ایدئولوژی و عقیده و دین‌شناسی و شناخت عقیده جهان و هستی‌شناسی و شناخت آسیب‌ها و آسیب‌شناسی [علم است]. انسان عالم کسی است که به همه این زوایا شناخت داشته باشد. بدون تردید علم و دانش یکی از مولفه‌های مهم اقتدار یک جامعه

عده‌ای صاحب قدرت با اصل تحول در علوم انسانی مخالفتنا

غلامعلی حداد‌عادل، رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی

نبیل به تمدن اسلامی غایت ما در انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که بدون تحول در علوم انسانی ممکن نیست. این تحول، کار یک دستگاه یا چند کارمند نیست، این فرآیند باید طولانی مدت و دائمی باشد و بار سنگینی است که همه باید همدلی کنند تا به نتیجه برسند.

از آغاز انقلاب و شروع انقلاب فرهنگی امام‌راحل و پس از آن آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای برمساله تحول علوم انسانی تاکید دارند که این حساسیت‌بهران انقلاب نسبت به علوم انسانی رایج در دانشگاه‌ها را نشان می‌دهد. ما با دنیای غرب درباره ماهیت و شناخت انسان تفاوت جدی داریم. انسان‌شناسی نتیجه جهان‌بینی است و از دل معرفت‌شناسی یک تمدن بیرون می‌آید. معرفت‌شناسی غربی انسان را صرفاً قادر به شناخت محسوسات و آثار و خواص ماده می‌داند. شناخت حقایق معقول در معرفت‌شناسی غربی جایگاه معتبری ندارد و این مفاهیم از نظر هستی‌شناسی حاکم در ذهن اعتبار دارند و در عالم واقع، دلالت صریحی بر ساحت‌غیرمادی هستی به‌دست نمی‌آید و از این معرفت‌شناسی جس‌گرا هستی‌شناسی مادی حاصل می‌شود. تفکر رایج فلسفی غرب نادیده گرفتن ساحت‌غیرمادی بر هستی‌شناسی است. نتیجه این تفکر آن است که انسان را موجودی مادی

بداند و برای او جز فاصله تولد تا مرگ با علم تصور دیگری قائل نباشد. این نگرش در تمدن امروزی غرب با مراجعه به رسانه‌های عمومی آنها هم قابل ملاحظه است. این نگاه به انسان را با مقام انسان در تفکر اسلامی مقایسه کنید. اعتقاد به روح و نفس در جان و روان تفکر اسلامی و اعتقاد به دمیده شدن روح خدا در پیکره انسان و... آیا با این تفاوت آشکار می‌توان گفت آنچه در غرب به‌عنوان علوم انسانی مطرح می‌شود با علوم اسلامی تطابق دارد؟ آیا ما به‌عنوان یک فرد مسلمان که می‌خواهد سبک زندگی اسلامی در مقیاس فردی و اجتماعی داشته باشد می‌توانیم چشم‌پسته آنچه را به علوم انسانی اسلامی مطرح می‌شود بدون نگاه انتقادی بپذیریم؟ در جمهوری اسلامی هستند افراد صاحب قدرت که صراحتاً می‌گویند علم، علم است مگر در فیزیک و شیمی هم دنبال تحول می‌رویم؟ عده‌ای در چارچوب این تحول تردید دارند. بحث این است که اگر تفاوت ماهوی علوم انسانی اسلامی با علوم غربی وجود دارد. آن تفاوت چیست؟ البته تفاوت بین این دو به معنای آن نیست که هر دستاوردی در علم غربی به‌دست آمده مطلقاً از نظر ما مردود است، خیر؛ بلکه صحبت آن است که باید نگاه انتقادی داشت. علوم انسانی غربی هم مورد به مورد حکم متفاوتی دارد و نمی‌توان حکم علم حقوق را برای تاریخ صادر کرد.

۱۰ سال است که شورای تحول علوم انسانی فعالیت می‌کند و این کنگره مجالی است که از آن گزارش ارائه شود. در پاییز ۸۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیین‌نامه‌ای را تصویب

کرد تا شورای تحول و ارتقای علوم انسانی تشکیل شود. این شورا حدود ۲۰ عضو دارد و تاکنون نزدیک به ۱۸۰ جلسه برگزار کرده است. این شورا در جلسات اولیه به این نتیجه رسید که از میان رشته‌های مختلف علوم انسانی به ۱۶ رشته علوم سیاسی، حقوق، روانشناسی، علوم تربیتی، تاریخ، اقتصاد، ارتباطات، فلسفه، فلسفه دین، علوم اجتماعی، هنر، معماری، مشاوره و... اهمیت دهد. برای تشخیص اینکه تحول چطور باید رخ دهد، شورا تصمیم گرفت از اساتید متدین و معتقد به لزوم تحول دعوت کند. در این راستا ۱۶ کارگروه تشکیل شد و تک‌تک اعضا با تصویب شورای تحول تعیین شدند. شرط انتخاب این بود که این اساتیدان در رشته خود زبده و مجرب باشند. سپس شورا تصمیم گرفت چهار موضوع را از چهار موضع بررسی کند. موضوعات شامل برنامه‌های درسی و آموزشی منتهی به تالیف متون و کتب درسی، استاد، دانشجو و پایان‌نامه‌ها و مجلات پژوهشی در علوم انسانی می‌شود و مواضع چهارگانه عبارتند از: اسلامی‌شدن، بومی‌سازی، کارآمدسازی و روزآمدسازی. در هر برنامه درسی به این چهار موضوع توجه داریم. همچنین، یک برنامه درسی از نظر شورا چهار فصل متفاوت دارد. پیش از این برنامه‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های طی ۲۵ سال تغییر نکرده بود و بسیاری از تحولات در برنامه‌ها ورود نداشت، لذا برای مثال در حوزه کارآمدسازی برنامه‌هایی برای جذب فارغ‌التحصیلان علوم انسانی در نظر گرفتیم. در موضوع بومی‌سازی هم برنامه‌ها

نوعاً متعلق به دانشگاه‌های غربی بود. برای مثال در برنامه کارشناسی رشته اقتصاد فقط دو واحد اقتصاد ایران وجود داشت آن هم به‌صورت اختیاری، اما در برنامه جدید مصوب شورا که از تصویب آن چهار سال به‌طول انجامید، هشت واحد اقتصاد ایران در دوره کارشناسی به‌صورت الزامی گنجانده شده است.

نمی‌توانستیم صبر کنیم تا تحولات بنیادین در هر رشته رخ دهد، لذا سعی کردیم از موجودی دانشگاه و حوزه برای اسلامی شدن علوم انسانی در گام اول استفاده کنیم. حرف ما این بود که دانشگاه‌های و حوزه‌های هر چه دارند را در قدم اول بیاورند. ما ارتباطی سامان یافته با حوزه داشتیم و شورای تحول دفتری در قم برای ارتباط با حوزه دارد. پدیدایش انجمن‌های تخصصی در حوزه از جمله برنامه‌های شورا محسوب می‌شود. حدود ۹۰ برنامه درسی را در شورا مصوب کرده‌ایم. این سرفصل‌ها از سوی اساتیدان صاحب صلاحیت در قالب کتاب تصویب شده و هر کتاب زیر نظر یک شورای سه‌نفره مدیریت می‌شود و طی همکاری با انتشارات سمت منتشر خواهد شد.

در شورای تحول مشکلات زیادی داریم که یکی از آنها نداشتن بودجه است. کل بودجه سالانه شورای تحول از بودجه‌ای که برای یکی از این همایش‌های یکی، دو روزه در کشور صرف می‌شود، کمتر است. هنوز هستند بعضی مسئولان که مایل نیستند این تحول صورت بگیرد و آن را سیاسی و جناحی تفسیر می‌کنند و هر جا بتوانند چوبی



لای چرخ این کار می‌گذارند. فرق کاری که ما می‌کنیم با کار دوستانه‌ای مثل شما در این سمینارها و همایش‌ها آن است که شما هرچه مطلب خوب نوشته‌اید، آن را چاپ می‌کنید، ولی کار ما باید که در کلاس درس اجرا شود یعنی از فکر تا به عمل، باید از گردنه‌ها و مانع‌های عبور کنیم که البته وظیفه است و امیدواریم با همکاری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم و استمداد از مجامعی مانند این جمع، بتوانیم به آنچه برای جمهوری اسلامی لازم و بایسته است، برسیم.

لزوم تجاری‌سازی علوم انسانی

سورنا ستاری، معاون علم و فناوری رئیس جمهور

من سررشته‌ای در علوم انسانی ندارم، اما در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری سعی می‌کنیم روی مشکلات این علوم هم تمرکز کنیم. ما دانشگاه درست کرده‌ایم و دور آن دیوار کشیده‌ایم و عده‌ای صبح و شب در آن درس می‌خوانند و در آن چیزی به آنها یاد می‌دهیم که شباهتی به نیاز مردم ندارد. ما با پول مردم درس می‌خوانیم تا مشکلات آنها را حل کنیم، اما به اینکه مردم کجا هستند توجه نداریم. کتاب و مقاله نوشتن خوب است، اما هدف نیست. در هر کدام از پژوهش‌کده‌های علوم انسانی که برای بازدید رفتیم، به من کتابخانه نشان دادند؛ کتابخانه‌های عظیم. تاثیرشان در جامعه چیست؟ واقعیت‌های جامعه چیزهای دیگری را مطرح می‌کند.

اگر درباره تجاری‌سازی علوم انسانی حرف می‌زنم در واقع درباره محتوا صحبت می‌کنم. ۶۰ تا ۷۰ درصد یک شرکت،

علوم انسانی اسلامی، پاسخ‌بخش به بحران علم
سیدسعیدرضا عامی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

محصول علم جدید منجر به آرامش بشر نشده است. این امر به علم و عملکردهای پیامد علم در عرصه‌های مختلف برمی‌گردد. استوارت هال گفته است انسان جدید منطق هوشش خواب نازار است. هویت محصول دو فرآیند، ارتباط با درون انسان و بیرون انسان. وقتی انسان در ارتباط با درون خود دچار اختلال می‌شود ارتباطات بیرونی‌اش هم مختل می‌شود. از علوم انسانی اسلامی باید در دو ساحت صحبت کرد؛ هستی‌شناسی و اینکه بر مبنای شناخت هستی، چه مسیری را برای زندگی داریم. کسانی که مقابل علوم انسانی اسلامی، یعنی علوم انسانی هنجاری

و ارزشی قرار می‌گیرند، استدلال‌شان این است که فرد دچار یک‌جانبه‌نگری می‌شود.

می‌گویند در مقام هستی‌شناسی علم، یک علم و حاکی از واقع است و در مقام سیاست‌گذاری، نظام ارزشی مدخلیت پیدا می‌کند. ولی واقعیت این است که هم در هستی‌شناسی نیاز به نگرش اسلامی داریم و هم در فرآیند کردن دریافتی که از هستی می‌کنیم نیازمند به یک نظام ارزشی هستیم. علوم تجربی بی‌بوستاری از دوره روشنگری غرب است و در بنیان خودش نوعی ایطال‌پذیری را به‌عنوان اصل قرار داده است و از همان زمانی که به علم آزمون‌یافته دست پیدا می‌کند زیر پایش سست است چون به این معناست که داده جدیدی می‌تواند نظریه سابق را باطل کند. به دلیل خطاهای علوم تجربی مسیر جدیدی به‌نام

شبه‌سازی هستی به‌وجود آمد، به این معنا که در هستی ضوابطی وجود دارد که اگر به آن دست پیدا کنند، به علم ناب دست یافته‌اند.

شبه‌سازی هستی به‌دنبال کردن حقیقت هستی در شبه‌سازی هستی وارد شده است. در موازات این رویکرد، دانش دیگری به‌وجود آمده تحت‌عنوان دانش یکپارچه‌ها و دهه ۸۰ بسیاری از علوم تحت‌تاثیر دانش یکپارچه هستند. دانش یکپارچه باز به حکمت قدیم‌مان برمی‌گردد. دانش یکپارچه تاکید می‌کند که دانش یک پیکره دارد. گرچه فهم انسان رشته‌های مختلف پیدا کرده، اما این علوم به‌هم متصلند.

به‌وجود آمدن جهان مجازی عرصه دوتایی‌ها را فعال کرد و جهان دومی به‌وجود آمد که با جهان اول که جهان فیزیکی

است، فرق دارد. جهان اول جغرافیا‌محور است، اما جهان دوم ریاضی‌وار و رقمی است. چیزی که در گذشته جهان ذهن بود، [با پیدایش جهان موازی] تبدیل به جهان واقعی شد. نوآوری‌ها در جهان دوم عرصه بزرگ‌تری دارند. به‌وجود آمدن جهان مجازی ضرورت دانش یکپارچه را گسترش داده است.

در ذیل دانش یکپارچه، رویکرد چندرشته‌ای و بین‌رشته‌ای به موضوعات به‌وجود آمد. ترکیب‌هایی که در حوزه علم به‌وجود می‌آید محصول ناتوانی‌ای است که در حوزه‌های رشته‌ای وجود دارد. نوآوری در علوم انسانی اسلامی، کشف قوانین هستی است. علوم انسانی اسلامی باید بتواند به مجموعه حقایق هستی‌شناسی توجه کند و خداوند ما را بارها به این امر توصیه کرده است.



ببند و بالا بردن گمراکت نیست. در معاونت علمی در حوزه علوم انسانی، دیدگاه‌مان توسعه چنین فرهنگی است. وقتی رشته تحصیلی و سیلابس درسی را مثلاً از دانشگاه استنفورد گرفته‌ایم، خروجی آن آیا به درد این زیست‌بوم می‌خورد یا زیست‌بوم دیگر؟ پس چطور انتظار داریم که آن فارغ‌التحصیل در داخل بماند و در این اکوسیستم کار کند؟ علم، علم است اما مهم این است که خروجی دوره‌تان بناسد به‌درد چه زیست‌بومی بخورد. راجع به خیلی از رشته‌ها باید براساس اکوسیستم صحبت شود (و مانند ریاضی نیستند که احکامشان همه‌جا یکسان باشد).



حوزه علوم انسانی بسیار بکر است و جای کار دارد. مادر معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری، بخشی به‌عنوان توسعه زیست‌بوم دانش‌بنیان داریم که همین‌جا اعلام می‌کنم آمادگی داریم با اساتیدان علوم انسانی همکاری کنیم. شرکت‌ها، سربازان ما هستند و اینها محصول به جامعه داده‌اند و فرهنگ را شکل می‌دهند. باید بازار را بگیریم.